



نظام آموزش کشاورزی ایران

نارساییهای بنیادی

● چکیده

هر نوع آموزشی، در جهت به فعلیت رسانیدن استعدادهای بالقوه آدمی، طراحی و تبیین می‌شود. آموزش کشاورزی نیز، از این قاعده مستثنی نیست. اگر هدف آموزش یاری رساندن به آدمی در جهت دستیابی به آمال و ایده‌آل‌ها و در یک کلام «تکامل» باشد، بدون تسردید، باید آموزش قانونمند، سیستماتیک و منسجم مورد نظر باشد.

آموزش در کشاورزی یکی از حیطه‌های متعدد آموزشی است، که اگر سامانمند و علمی نباشد، به نمر نمی‌نشیند. در شرایطی که کشاورزی محور توسعه کشور است، باید نظام آموزش کشاورزی نیز، کارا و کارآمد باشد، تا بتواند در جهت توسعه کشور، نقش حقیقی‌اش را ایفا نماید. از این روست که نظام آموزش کشاورزی کشورمان را باید به طور جدی مورد مذاقه و مطالعه قرار دهیم.

بر همین اساس، این مقاله در سه بخش تنظیم شده است:

- ۱- اهمیت آموزش کشاورزی و نقش آن در تحول کشاورزی
 - ۲- نقش نیروی انسانی متخصص در توسعه کشاورزی
 - ۳- نارساییهای مهم و بنیادی نظام آموزش کشاورزی کشور
- در بخش اول مقاله، آموزش کشاورزی از دیدگاه صاحب‌نظرانی چون ژولیوس نایبره، جرج اگسین، لوتیس مالاسیس، اسماعیل شهبازی و دیگران تعریف می‌شود و اهمیت این نوع آموزش مورد بحث

قرار می‌گیرد.

در بخش دوم مقاله به نقش نیروی انسانی متخصص، در فرآیند توسعه کشاورزی اشاره می‌شود. در این مورد آمار دانشمندان و متخصصان تحقیقات در کشورهای مختلف جهان ذکر می‌شود. نکته جالب توجه، در این باره، این که طبق آمار، تعداد نیروی انسانی فعال در امور تحقیقاتی و پژوهشی کشورمان ایران، حتی از کشورهایی چون پاکستان، کوبا، مصر و ترکیه نیز، بسیار کمتر می‌باشد.

در بخش اصلی مقاله، با توجه به اساس و کلیات نظام آموزش کشاورزی، به چهار مورد هدف، محتوا، برنامه‌ریزی، و مدیریت تشکیلاتی که عناصر اساسی نظام‌های آموزشی هستند پرداخته می‌شود و به تفصیل در مورد این عناصر بحث می‌شود. در این مباحث عمده توجه این است که بیاییم آیا نظام آموزش کشاورزی ایران در این موارد به اصول و قواعد صحیحی مقید است یا خیر.

در پایان این بخش، پس از بررسی نارساییهای بنیادی نظام آموزش کشاورزی ایران، نظرات دکتر بای‌بوردی نیز بیان می‌شود.

کوتاه سخن اینکه در این مقاله قصد داریم به بررسی آموزش کشاورزی بپردازیم. آن را بشناسیم و بهتر با مسائل آن در ایران آشنا شویم. این نوشته کوتاه درصداست تا به ما بگوید: آموزش کشاورزی چه نوع آموزشی است؟ با توجه به سابقه آموزش کشاورزی در ایران، چرا چندان مورد عنایت قرار نگرفته است یا اینکه، چه دلایلی می‌توان به عنوان نقاط کلیدی آن عنوان نمود؟ و...

● مقدمه

انسان، برترین مخلوق خداوندی است و حضرت سبحان، خویشتر را بواسطه آفرینش انسان مورد تحسین قرار داده‌است، «فتبارک‌الله احسن‌الخالقین». در روایات آمده است که خداوند بعد از آفرینش انسان،

فرشتگان و ملائک را به سجده نمودن در برابر آدمی، امر نمود. اما، شاید بد نباشد، که بدانیم، چرا آدمی بر همه مخلوقات برتری خاص دارد؟ و چرا انسان، مخلوقی متمایز از سایر مخلوقات شمرده می‌شود و به عبارتی، نگین آفرینش خوانده می‌شود؟



انسان نماینده خدا در زمین است و در قرآن «خلیفه الله» لقب گرفته است. تکامل انسان آن هنگام بروز می‌یابد، که انسان «خداگونه» شود. مثل خدا بشود و به جایی برسد که «به جز خدا نبیند». این امر سترگ هیچگاه محقق نخواهد شد، مگر آنکه آدمی، خوشتن خویش را بشناسد و به استعدادهای نهان و آشکار خویش، واقف شود.

امروزه، همه علمای، محققین و دانشمندان، گرد هم آمده‌اند تا «انسان» را باری رسانند و همه مدعی این هستند که می‌خواهند، انسان را به خود بسازانند. همه می‌خواهند، به آن‌ها کمک نمایند، تا به وجه احسن، از آنچه که بر کمر او به ودیعه نهاده شده است، بهره مطلوب بگیرد.

آموزش مفهوم عافی است که محدود به هیچ حیطه‌ای نمی‌شود. آموزش محدودیت‌بردار نیست و خود را ملزم می‌داند تا بر همه جوانب و ابعاد زندگی آدمی سایه افکند.

امروزه، آموزش در حیطه‌های متفاوت علوم بشکل جدی مطرح است، و همگان به آموزشهای خاص به عنوان یک ضرورت می‌نگرند و آموزش در حیطه کشاورزی یکی از آن آموزشهای خاص است که به دلایل خاص و صحیح، در این کشور باید از جایگاه ارزشمندی برخوردار باشد.

آموزش کشاورزی به یک اعتبار آموزشی است، که بدنبال تغییر دانش، بینش و مهارت همه مخاطبان خود است و شامل کشاورزان، جوانان روستایی، کسارشناسان و متخصصان و خلاصه همه دست‌اندرکاران امور کشاورزی می‌گردد. و با این تعریف لزوم پرداختن به آموزش کشاورزی و نظام و سیستم آن در ایران واضح و میرهن است.

■ آموزش کشاورزی ضرورت تحول کشاورزی

اگر بخواهیم تصویری را از ایران، در ذهنمان بسازیم، در نگاه اول، بخشهایی از این تصویر با چشم‌اندازی از کشاورزی، ترسیم خواهد شد. تاریخ کهن ایران را که می‌نگریم، کشاورزی را از آن لاینفک می‌بینیم. مهمترین بخش اقتصادی ایران، از گذشته

تا حال، کشاورزی بوده است. تمام اطلاعات آماری ما نشان می‌دهند که همیشه جمعیت روستایی ایران، بیش از نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دادند. علیرغم تمام عوامل بزرگوار و حضور روستاییان در ماسن و روستایی خویش، تا به امروز هم مطلقاً جمعیت روستاییان، در طول زمان، افزایش یافته است.

روستاییان ما اغلب کشاورز هستند. زندگی روستاییان ایرانی را می‌توان، یک زندگی دهقانی نامید. کشاورزی از این نوع زندگی قابل تفکیک نیست. اولین آبادیها همیشه بر اساس وجود یا عدم وجود آب در منطقه و مکانی شکل گرفته‌اند. توجه خاص به «آب» صرف نظر از ضرورت حیاتی آن در زندگی انسانها، از آن جهت برای روستاییان و آبادی نشینان مهم بوده که آنها را در کار کشاورزی یار و همراه بوده است.

پس، روشن است که کشاورزی یکی از مهمترین خصیصه‌های اقتصاد ایران، از گذشته دور تا ایام کنونی بوده است و می‌باشد و کشاورزان و روستاییان، همیشه بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند.

با توجه به این ویژگی و ضرورت پویایی

روستاییان و کشاورزان، مسأله آموزش کشاورزان و به عبارت دیگر، «آموزش کشاورزی» در ساختار آموزشی و فرهنگی کشور مطرح شده بود. در زمان قاجار، به این نکته مهم بی‌توجهی کردند. مترسره فلاحت مطلقاً اولین شاخص این توجه به حساب می‌آمد. هدف روشن بود: تحول در کشاورزی و کشاورزان و هدف نهایی، تلاش در جهت یاری رساندن به انسانها بود.

«دانش توانایی، مستلزم اکتساب دانایی است و اکتساب دانایی از طریق آموزش میسر است. آموزش وسیله کسب دانش، مهارت و آگاهی است یا ابزار ایجاد تغییرات مثبت و مفید رفتاری و ذهنی در انسان می‌باشد»^۱

ژولیوس نابره معتقد است که: «چون بیشتر مردم کشورهای جهان سوم، در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و غالباً به فعالیتهای کشاورزی اشتغال دارند؛ عنصر کلیدی در کوششهای عمران و توسعه روستایی، مربوط به آموزش دادن توده‌های وسیع مردم است، تا جایی که بتوانند، امور خود را تمشیت دهند، و قادر شوند، از طریق افزایش بازدهی ناشی از کار مداوم توأم با دانایی، روی پای خود بایستند و سهم متناسب خود را از بهداشت بهتر، آموزش بهتر، مسکن، خدمات

هستند و به اندازه کافی آموزش نمی‌بینند». همچنین فارغ‌التحصیلان مدارس کشاورزی ما، حتی از نظر علمی نیز، قادر به رقابت با سایر افراد مشابه در بخشهای آموزشی دیگر هم نیستند، یعنی این که از نظر علمی هم به پرورش آنها توجهی نداریم. دیپلمه‌های کشاورزی در کنکور سراری قادر به رقابت با دیپلمه‌های تجربی و ریاضی نیستند(!) و...

بهداشتی، آب آشامیدنی و تغذیه، دریافت کنند.»^{۲*} جرج آکسین (G.Axinn) معتقد است که نهادهای جدید، به تنهایی قادر نیست که موجب ترقی کشاورزی شود. او می‌گوید: بسیاری از نهادهای در لیست ضروریات برای بازدهی افزون بخش کشاورزی قرار گرفته‌اند. این نهادهای شامل بذور اصلاح شده در انواع متنوع و پربازده، کودهای شیمیایی به مقدار زیاد، تطبیق و تعدیل و اصلاح سیستمهای آبیاری و عرصه آب برای کشاورزی، سموم دفع آفات و امراض نباتی، اعتبارات کافی کشاورزی و حمایت دولت از بازار محصولات کشاورزی می‌باشد. اما این نهادهای، به تنهایی نمی‌توانند، برای یک کشور، کشاورزی پر رونق و پیشرفته‌ای را به ارمغان آورند. که کشور به آن مغرور باشد و کشاورزان شخصیت و حرمت کار و حرفه خود را دریابند؛ بلکه نهادهای اضافی دیگر یا نهادهای قاطع که بخش کشاورزی را از عقب‌ماندگی و کشاورزان را از حالت فقر و زندگی بخور و نمیر بیرون می‌آورد و کشاورزی را پیشرفته و کشاورزان را مدیر و مدبر و دارای زندگی مرفه و برخوردار از شخصیت والای انسانی می‌نماید، همانا ترکیب و تلفیق تحقیق با آموزش است و نگاه همراه کردن آن با یک نظم و نسق و بنیان محکم اداری یا عرضه نهادهای تولیدی و بازاریابی درست.»^{۳**}

«پروفسور لوئیس مالاسیس، به صراحت می‌گوید که اگر بشر بخواهد، در نبرد بزرگ علیه فقر، توسعه نیافتگی و قحطی پیروز شود، البته آموزش کشاورزی به تنهایی کافی نیست، اما به تحقیق لازم هست.»^۴ خلاصه کلام آن که: «به منظور بهره‌برداری از امکانات بالقوه زیادی که در زمینه کشاورزی ایران موجود است، وجود جریان‌های همیشگی، به نام آموزش

کشاورزی در جامعه کشاورزان (یعنی همه دست‌اندرکاران کشاورزی)، از ضرورت‌های مبرم جامعه است.»^{۵**} بقول یکی از پیشگامان ترویج و آموزش کشاورزی ایران، «آموزش بنیان توسعه روستایی است.»^{۶***}

■ نقش نیروی انسانی متخصص در توسعه کشاورزی

تجارب جهانی نشان می‌دهد، آموزش یکی از مؤثرترین عوامل در تحول سطوح مهارت و تخصص نیروی انسانی بوده‌است. مطالعات و بررسیهایی که در مورد عوامل بوجودآورنده رشد صورت گرفته، نشان می‌دهد که کمتر از پنجاه درصد رشد اقتصادی، حاصل عوامل اصلی تولید (کار، سرمایه و زمین) بوده‌است و مابقی به عوامل ناشناخته‌ای مثل: تغییرات تکنولوژی، افزایش بهره‌وری و عوامل باقیمانده (باقیمانده مجهول) نسبت داده می‌شود. امروزه، اکثراً معتقدند، این عامل چیزی نیست، مگر نقش عامل انسانی، که قابل تبیین به وسیله عامل کار نبوده‌است و چیزی مگر تأثیر آموزش رسمی و یا غیر رسمی نیست. امروزه، نقش عامل انسانی در فرآیند تولید، دیگر قدرت بازو یا کار فیزیکی نیست، بلکه دانش فنی و مهارت اوست.

در کشور انگلستان، سرمایه‌گذاری در تحقیقات و آموزش کشاورزی میزان سودآوری بالا و حایز اهمیت ۴۰ درصد را داشته‌است. باید متذکر گردید، پس از اتخاذ سیاست تحقیق و آموزش کشاورزی در انگلستان، این کشور که تا اواسط قرن بیستم، فقط می‌توانست غذای یک ماه خود را تولید کند و یازده ماه دیگر را مهمان کشورهای دیگر باشد هم اکنون، به عنوان یکی از بزرگترین صادرکنندگان محصولات

کشاورزی، بخصوص گندم به میزان سالانه حدوداً ده میلیون تن، با عملکرد ۸ تن در هکتار، تبدیل شده‌است.

آموزش در کشاورزی آمریکا نیز، موجد میزان سودآوری قابل ملاحظه‌ای است که در شرایط مختلف از ۴ تا ۲۰ درصد، سودآوری را نشان می‌دهد. در کشورهای هند، پاکستان، کنیا و ساحل عاج نیز، بسته به شرایط مختلف، از ۳ تا ۳۰ درصد سودآوری، بر اثر آموزش مشاهده شده‌است.

مقایسه پاره‌ای از ارقام در مورد تعداد اندیشمندان، مهندسين و تکنسینهای فعال در تحقیقات کاربردی و علمی توسعه در کشورهای مختلف جهان، تا حدودی مسأله ناتوانی نظام آموزشی کشور و قلت نیروی انسانی کارآور را، مشخص خواهد کرد.

● همان طوری که ملاحظه می‌شود، تعداد نیروی انسانی فعال در امور تحقیقاتی و پژوهشی در ترکیه دو برابر، کوبا حدود ۴ برابر، پاکستان بیش از ۴/۵ برابر و مصر بیش از ۵ برابر ایران است. همچنین فرانسه حدود ۴۶ برابر، آلمان ۵۰ برابر، ژاپن ۱۲۵ برابر و انگلیس ۳۲ برابر از نظر نیروی انسانی توانمندتر از ایران هستند.^۷

■ نارساییهای نظام آموزش کشاورزی ایران*

هدف

هدف را به چراغ راهنما تشبیه کرده‌اند، این چراغ راهنما می‌تواند انسان را در همه ایام و اوقات یار و یاور باشد و در راههای سخت و دشوار به کمک آدمی بشتابد. به عبارتی دیگر، هدف را می‌توان به یک قله کوه تشبیه کرد، که در هر نقطه از دامنه کوه، برای عبور

جدول تعداد دانشمندان، مهندسين و تكنسنيهاي فعال
در تحقيقات کاربردي و علمي توسعه (سال ۱۹۸۵)

کشور	سال	تعداد نفر
ایران	۱۹۸۵	۵۰۴۸
ونزوئلا	۱۹۸۲	۷۲۶۰
ترکیه	۱۹۸۲	۱۰۲۳۶
اسپانیا	۱۹۸۲	۲۱۴۸۰
کوبا	۱۹۸۵	۱۵۵۲۳
اینگوی	۱۹۸۲	۲۹۰۲۰
سویس	۱۹۸۲	۲۶۶۱۷
پاکستان	۱۹۸۶	۲۲۲۵۲
کره جنوبی	۱۹۸۲	۵۱۶۱۰
هند	۱۹۸۲	۱۰۰۱۳۶
ژاپن	۱۹۷۶	۲۳۰۷۶۶
آلمان	۱۹۷۸	۲۵۱۷۷۲
فرانسه	۱۹۷۸	۱۶۳۱۰۰
ژاپن	۱۹۸۲	۶۲۸۶۸۶

محض* می‌توانند، یک هدف مطلوب برای سیستمهای آموزشی باشد، این مطلوبیت در مورد آموزش کشاورزی اصلاً پذیرفته نیست. اگر ما تنها به مسائل اقتصادی هم توجه نماییم، باز ملاحظه می‌کنیم که دانشجوی کشاورزی را نمی‌توان با هدف آموزش محض و انباشتن ذهن او از اطلاعات علمی کشاورزی تربیت نمود.

از طرف دیگر، اصلاً کشاورزی را نباید مورد مقایسه با سایر فعالیتهای دانست. کشاورزی در ایران فعالیتی خاص دارد، جامعه ویژه‌ای دارد و مقتضیات خاص خود را دارد. برای تربیت دانشجو و دانش‌آموخته در این رشته‌ها، باید دیدگاه خاصی را منظور کرد. شاید بتوان در حیطه‌های علوم انسانی، آموزش محض را هدف قرار داد، ولی در کشاورزی این هدف کاملاً مردود، غیر منطقی، غیر اقتصادی و غیر عقلانی است.

در اینجا بد نیست، اشاره‌ای بسیار گذرا، به اهداف آموزش کشاورزی آمریکا* داشته باشیم: «اهداف آموزش کشاورزی که توسط وزارت آموزش و پرورش آمریکا (سال ۱۹۶۵) بیان گردیده‌اند، عبارتند از:

۱- ایجاد تواناییهای لازم از نظر علمی، برای افرادی که برای کار تولید در بخش کشاورزی آماده می‌شوند.

۲- ایجاد تواناییهای لازم از نظر علمی، برای کسانی که به کار کشاورزی اشتغال دارند.

۳- ایجاد محیط مناسب، برای شناسایی فرصتهای شغلی در بخش کشاورزی و آماده ساختن دانش آموزان و جوانان برای ورود به مشاغل کشاورزی.

۴- ایجاد تواناییهای لازم در دانش آموزان، برای جاییابی در شغل کشاورزی یا تضمین موفقیت و داشتن فرصت ادامه تحصیل در مدارج علمی بالاتر.

۵- کمک در ایجاد توانایی لازم، در زمینه روابط انسانی مورد نیاز، جهت موفقیت در مشاغل کشاورزی.

۶- کمک در ایجاد تواناییهای مورد نیاز، برای اعمال مدیریت و رهبری در زمینه‌های اجتماعی و مسوولیت‌های شهروندی.

به طور کلی آموزش کشاورزی در آمریکا که برای افراد بالای ۱۴ سال سن در نظر گرفته می‌شود، به طور اختصاصی، این اهداف را دنبال می‌کند:

○ تحول در وضعیت جامعه روستایی و زندگی کشاورزان

○ آموزش محض و افزایش اطلاعات افراد ورودی به سیستم آموزشی

○ تحول در صحنه تولید کشاورزی مملکت و توجه به هدف خودکفایی در کشاورزی

○ مشغول کردن یک عده دانشجو و گذاشتن باری بر دوش دانشکده‌های کشاورزی، جهت کمک به وزارت فرهنگ و آموزش عالی

○ مهم جلوه دادن سیستم آموزش عالی (نهادی شدن سیستم)

کدامیک از این مقاصد را، می‌توان به عنوان هدف مطلوب سیستم آموزش کشاورزی انتخاب کرد؟ شکی نیست که آموزش کشاورزی، یک آموزش گرانیقیمت است. طبق آمارهای اعلام شده و بررسیهای بعمل آمده، آموزش کشاورزی در ایران، بعد از آموزش پزشکی، گرانترین و هزینه‌برترین آموزش‌شهاست و برای تربیت دانشجویان کشاورزی، هزینه‌های بیشتری باید نسبت به سایر رشته‌ها صرف نمود.

بنابراین، اگر چه، بفرض بپذیریم که «آموزش

کننده و کوه‌پیما باید مشخص باشد.

دکتر اسماعیل شهبازی معتقد است که: «هدف را می‌توان، نقطه مشخصی تصور نمود که برای رسیدن به آن می‌باید، تمام نیروها و منابع موجود را در جهت معلوم و حساب شده، برای مدت زمانی معین، متمرکز کرد و به کار گرفت. به تعبیر دیگر، هدف را می‌توان به عنوان علامت و راهنمایی در تنظیم و به کارگیری منابع موجود، برای جلوگیری از انحراف از یک مسیر معین و حساب شده، در جهت اجرای یک برنامه دانست».^{۸۳۳}

با این توضیحات، روشن شد که هدف، نشانگر غایت ما در انجام امور و فعالیتهای مختلف ماست. در آموزش کشاورزی و در سیستم فعلی آموزش کشاورزی، هدف چیست و ما قصد داریم به کجا برسیم؟ تربیت کارآموختگان به چه منظوری صورت می‌گیرد و یا چه نیتی، دانش آموز، هنرجو و دانشجوی کشاورزی پرورش می‌دهیم؟

صرف نظر از مطلوبیت یا عدم مطلوبیت، می‌توان اهداف و مقاصد ذیل را برای تربیت دانش آموخته و دانشجوی کشاورزی در سیستم آموزش عالی و سیستم آموزشی کشاورزی عنوان کرد:

آنها بوجهی نداریم. دیپلمه‌های کشاورزی در کشور سراسری قادر به رقابت با دیپلمه‌های تجربی و ریاضی نیستند!)) و...

معموم نیست هدف ما چیست؟ ما حتی به هدفی که انتخاب و عنوان نموده‌ایم نیز، توجهی نمی‌کنیم و در جهت آن قدم نمی‌گذاریم. فصد بان هدف مطلوب آموزش کشاورزی را ندارم چرا که، خود نیاز به پژوهش مستقلی دارد. لیکن، ذکر یک نقل قول از ریاست دانشگاه شیراز جالب است. ایشان معتقدند که:

«بدون هیچ بحثی بیدگفت، هدف اصلی آموزش کشاورزی، آموزش افراد است تا بتوانند، در افزایش بهره‌وری کشاورزی مؤثر واقع شوند.»^{۱۱*}

راستی مگر قرار نبوده است که آموزش بنیان توسعه باشد؟! آیا آموزش کشاورزی بدون جهت‌کارایی عملی، می‌تواند به این هدف نائل شود؟!

گروه برنامه‌ریزی کشاورزی ستاد انقلاب فرهنگی، برای مقاطع مختلف در نظام آموزش کشاورزی [نظام نوین آموزش کشاورزی]، اهدافی را مد نظر داشته‌اند، که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود:

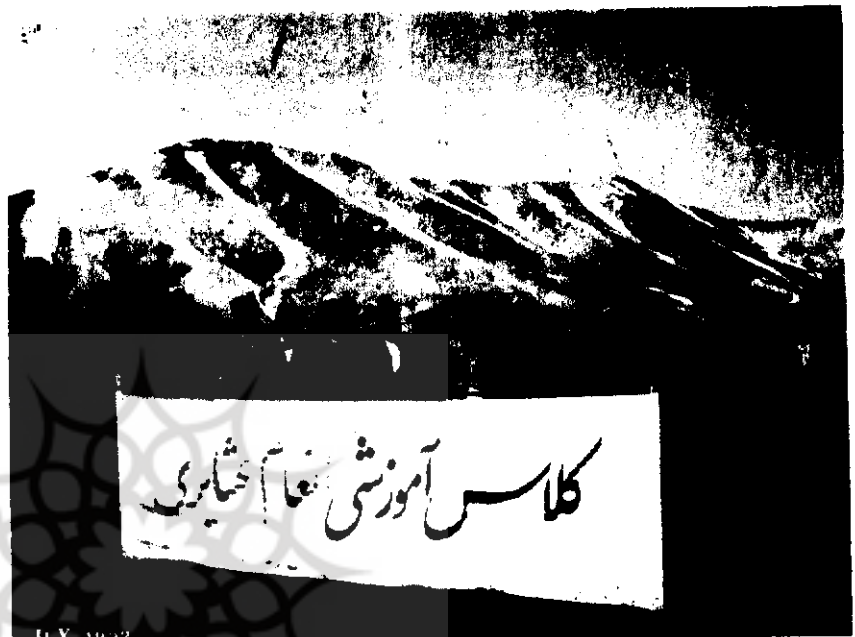
«هدف از دوره اول دبیرستان کشاورزی، تربیت کارورز در جزف و عملیات کشاورزی است.

هدف از دوره دوم دبیرستان کشاورزی، تربیت عاملین ماهر جهت کار در واحدهای زراعی و دامی است.

هدف از دوره آموزشکده کشاورزی، تربیت مباشر یا مروج کشاورزی با عنوان شغلی کاردان می‌باشد.

هدف از دوره دانشکده، تربیت مربی، مدیر و طراح در رشته‌های مختلف کشاورزی. منابع طبیعی و دامپزشکی می‌باشد.

هدف از دوره عالی علوم کشاورزی و منابع طبیعی، تربیت متخصص، محقق، مدرس و برنامه‌ریز در رشته‌های مختلف کشاورزی و منابع طبیعی است.» (در بخشهای آتی این مقاله، اشاره شده‌است که حاصل کار گروه برنامه‌ریزی کشاورزی ستاد انقلاب فرهنگی - نظام نوین آموزش کشاورزی - هیچ‌گاه به رشته عمل درنیامد و طبیعتاً این اهداف نیز در نظام فعلی آموزش کشاورزی چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند).



از ندانم‌کاریها و اشتباهات فراوانی است که ما در تقلید از کشورهای بزرگ غربی به عمل آورده و می‌آوریم. شاید بتوان این مورد را نیز، از بزرگترین معایب هدف گزینی آموزش کشاورزی ایران عنوان نماییم.

اگر چه هدف آموزش کشاورزی ایران، همان هدف آمریکایی است ولی تفاوت از زمین تا آسمان است. دکتر آگهی (۱۹۹۰) معتقد است که: «اهداف آموزش کشاورزی در هر دو کشور خیلی به هم شبیه‌اند، اما تفاوت در این است که ایران هیچگاه نتوانست به اهداف سیستم خود نایل شود، ولی آمریکا یک سیستم آموزش کشاورزی موفق را در سطح دبیرستان کشاورزی حاصل نموده‌است. اهداف آموزش کشاورزی مدیریت در آمریکا، کاملاً محقق شده‌اند.»^{۱۳***}

کوتاه سخن این که: ما در آموزش کشاورزی هدفمند نیستیم، اگر هم هدفی برگزیده و گفته‌ایم، بدون مطالعه و بررسی، تنها با کپی و تقلید از دیگران صورت گرفته‌است. عملاً ما به دنبال هیچ هدفی نیستیم. فارغ‌التحصیلان کشاورزی ما حتی قادر به کار در یک پروژه کوچک نیستند؛ زیرا آنها فاقد مهارت کافی برای انجام یک برنامه هستند و به اندازه کافی آموزش نمی‌بینند. همچنین فارغ‌التحصیلان مدارس کشاورزی ما، حتی از نظر علمی نیز، قادر به رقابت با سایر افراد مشابه در بخشهای آموزشی دیگر هم نیستند، یعنی این که از نظر علمی هم به پرورش

□ - آماده کردن دانش آموزان، برای احراز شغل کشاورزی

□ - افزایش سطح دانش آموزان که قبلاً به کار کشاورزی اشتغال داشتند، در جهت بالا بردن کارایی آنان^{۱۰*}

با تأملی در اهداف آموزش کشاورزی آمریکا (بعضاً نمونه‌ای از هدف‌گزینی در آموزش کشاورزی)، می‌بینیم که آنها بیشتر به کارایی فارغ‌التحصیل، جهت کار علمی در بخش کشاورزی توجه نموده‌اند. در کشور آلمان نیز، غایت نظام آموزش کشاورزی، صلاحیت مشهور و معتبری است به نام "Meister" و افراد با این گواهی، کارایی عملی بالایی در هدایت فعالیتهای کشاورزی خواهند داشت.^{۱۱*}

با این نمونه‌های کوچک، می‌توان دریافت که در انتخاب هدف آموزش کشاورزی باید دقت نمود در ایران هدف آموزش کشاورزی چیست؟

نگارنده مقاله حاضر، اگر چه معتقد است که عملاً در آموزش کشاورزی هدف گم‌شده است، ولی با این همه، حداقل به صورت کتابی و رسمی برای آموزش کشاورزی ایران در «آماده‌نمودن کشاورزان آموزش دیده» به صورت تئوری هدف ذکر شده‌است.^{۱۲**}

[ذکر یک نکته جالب است و آن این که هدف رسمی و کتابی (۱) آموزش کشاورزی ایران شبیه هدف آموزش کشاورزی آمریکاست. به نظر می‌آید، این هم

● **براستی وقتی که از یک طرف می بینید، که مسائل لوکس در حیطه علم و تحقیق ما را به خود مشغول کرده است و از طرف دیگر می خوانید و می یابید که «فقط از حدود ۳۵ درصد ظرفیت بالقوه آبهای که در دسترس بخش کشاورزی در کشور استفاده می شود، حدود ۶۵ درصد آن به عناوین مختلف یا مهار نشده و در اختیار بخش قرار نگرفته است یا عمدتاً بر اثر ضایعات مختلف که گاه زیانبار نیز هست، از دسترس خارج می شود.» یا این که می خوانید که «تحقیقات نشانگر آن است که ۵۵ درصد آب و ۶۴ درصد منابع خاک این سرزمین، بلااستفاده مانده است.»* به چه استنباط و چه نتیجه ای می رسید؟!**

محتوا

محتوا و مطالب درسی که در مراکز آموزش کشاورزی تدریس می شوند، با نیازهای ملموس جامعه کشاورزی ایران، همخوانی ندارند. مطالبی به فراگیران آموزش داده می شود که بعضاً کاربردی برای جامعه کشاورزی ندارد.

مرحوم دکتر شریعتی (رحمة الله علیه) - البته در بحث مسخ شدن انسان و الیناسیون - حکایتی می گویند که جالب و مورد نظر است:

«یکی از روشنفکران تحصیلکرده در شهر ما، وضع مادی فقیری داشته و دارد، در یک محله بسیار عقب مانده ای زندگی می کند، هنوز در آن خیابان آسفالت نیامده، هنوز وضع بهداشت معمولش فراهم نیست، هنوز وضع خانوادگی اش در مرحله ای است که از بسیاری از نعمتهای معمولی محروم است و شاید هنوز کمبود غذایی دارد؛ آنوقت او با یک التهاب خاصی از من می پرسید: آیا واقعاً انسان (وجود انسان) بر ساهیتش مقدم است - آن طور که سارتر و اگزیستانسیالیست؟ می گویند - یا ماهیت انسان بر وجودش؟ او می گفت که این مسأله خیلی مرا رنج داده و مدت ها است مرا از خواب و کارم انداخته و واقعاً این مسأله برای من حل نشده است! گفتم: این که آن خیابان خانه شما را آسفالت نکنند، هم بر وجود مقدم است و هم بر ماهیت! به تو چه مربوط است؟! تو سارتر

نیستی که چنین تزلزلی داشته باشی؛ تو آدمی هستی که در سیصد سال پیش از سارتر زندگی می کنی [منظور استاد شرایط زندگی و فکری می باشد]؛ درد خودت را داشته باش؛ رنج و کمبود خودت را حس کن، یک بچه فرانسوی یا یک تحصیل کرده آمریکایی

چنین تزلزلی باید داشته باشد، ما که شرایط اجتماعیمان، شرایط تربیتی مان، شرایط خانوادگی مان - و به قول جامعه شناسی - «ما»ی ما (یعنی آن «ما»یی که من وابسته به آن «ما» هستم) هیچ شباهتی به «ما»ی اروپایی ندارد. بنابراین، چگونه من که وابسته به این جمع هستم، و دارای چنین دردها و نیازها و رنجهایی هستم، اینها را حس نمی کنم، ولی خودم را به جای یک روشنفکر مرفه کشور صنعتی فرانسه و آمریکای بعد از جنگ بین الملل دوم حس می کنم، که هیچ شباهتی میان من و او نیست؟!»^{۱۵*}

این مطلب دکتر شریعتی را به مطالبی چون کشت هیدروپونیک، آبکشت و... ارتباط دهید!! و...

البته، عدم توجه به نیازهای ملموس جامعه کشاورزی، البته ناشی از عملکرد غلط سازمانهای پژوهشی و تحقیقی می باشد. سازمانهای پژوهشی و تحقیقی کشور، به جای پرداختن به موضوعات ضروری به موضوعاتی دیگر توجه نموده اند. در این شرایط طبیعی است که مراکز آموزش کشاورزی نیز، از ارائه مطالب مورد نیاز جامعه کشاورزی باز می مانند یا منصرف می شوند. به مطالب ذیل توجه نمایید تا بیاید که مراکز تحقیقی چه می کنند؟

● در شماره ۵۱ مجله سنبله آمده است:

«آفات و بیماریهای گیاهی و علفهای هرز، سالیانه بیش از ۳۰ درصد از محصولات کشاورزی کشورهای درحال توسعه را از بین می برند.» رئیس مؤسسه تحقیقات آفات بیماریهای گیاهی در شماره ۴۸ مجله سنبله ۴۰ سال قبل، استاد دکتر عباس دواجی که درس دفع آفات می داد، خسارت ناشی از

آفات و بیماریهای گیاهی را ۳۰ درصد ذکر کرده بود. همین آقای رئیس مؤسسه تحقیقات فعلی، در آن زمان دانشجویی بود که این رقم را در دفتر جزوه خود ثبت کرد و حفظ کرد و امتحان داد و سپس استخدام شد و محقق شد و استاد پژوهش شد و بالاخره تکیه بر جای دکتر دواجی زد و سپس رئیس مؤسسه آفات کشور شد، تا بعد از ۴۰ سال تکرار نماید «آفات و بیماریهای گیاهی بیش از ۳۰ درصد محصولات کشاورزی را نابود می کنند».

۴۰ سال پیش که ۳۰ درصد خسارت را عنوان می کردیم، امکانات فعلی را نداشتیم - این همه محقق و پژوهنده با تحصیلات دکتری، فوق لیسانس و با تخصصهای مشخص امروز وجود نداشت، برنامه مدونی نظیر آنچه که رئیس مؤسسه در اهداف اصلی و وظایف اساسی مؤسسه در مصاحبه خود برشمرند، در آن زمان نوشته نشده بود. اما، اکنون با داشتن ۱۰ بخش تحقیقات مؤسسه، کمیته فنی و کمیته انتشارات و نیم قرن سابقه تلاش و کوشش مستمر در زمینه های مختلف پژوهش، باز هم باید، ۳۰ درصد محصولات تولیدی را از بین رفته بینیم؟^{۱۶*}

در بخش دیگری از مقاله شماره ۵۱ سنبله،

نویسنده می نویسد که:

«سوسک سیاه گندم در مزارع گرگان و گنبد، سوسک حنایی خرما در سیستان و بلوچستان، بیماریهای سبب زمینی در اردبیل و اصفهان، نماتود گندم در گرگان، نماتود چغندر قند و بیماریهای سبب زمینی در اردبیل و اصفهان، نماتود گندم در گرگان، نماتود چغندر قند در خراسان، زنگ گندم در همه جا...»